

موسسه قانون یار (مبتکر کتب صوتی حقوقی برای اولین بار در کشور)

کامل ترین و جامع ترین کتاب و منبع برای درس مدنی این اثر چهار جلدی ((۴ کتاب مجزا))

به تالیف دکتر بهنام اسدی می باشد

داوطلبان عزیز توجه داشته باشید صرفاً با مطالعه این اثر چهار جلدی

به هیچ منبع و کتاب دیگری ((حتی کتاب در نظم دکتر کاتوزیان)) نیاز نخواهید داشت

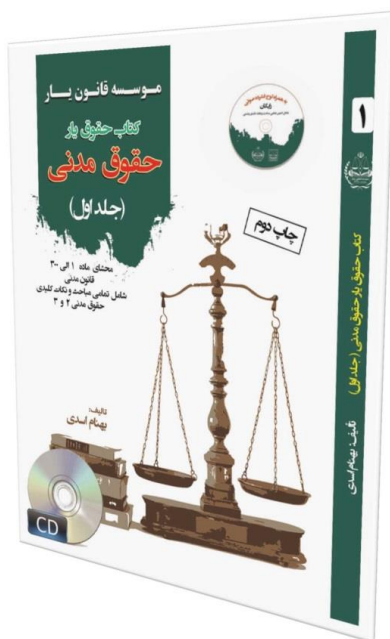
داوطلبانی که این منبع را به عنوان منبع اصلی مطالعه خویش قرار داده اند

رتبه های تک رقمی آزمون وکالت را کسب کرده اند

[ما این ادعا را ثابت کرده ایم. کلیک کنید خودتان ببینید](#)

انتخاب منبع درست و پربار اولین تصمیمی است که هر داوطلب باید بگیرد

صد در صد تضمینی



صد در صد تضمینی

جهت تهیه این کتاب به همراه فایل صوتی تدریس با موسسه قانون یار تماس حاصل فرمایید

۰۲۱۶۶۹۷۹۵۱۹

۰۲۱۶۶۹۷۹۵۲۶

عقد ودیعه

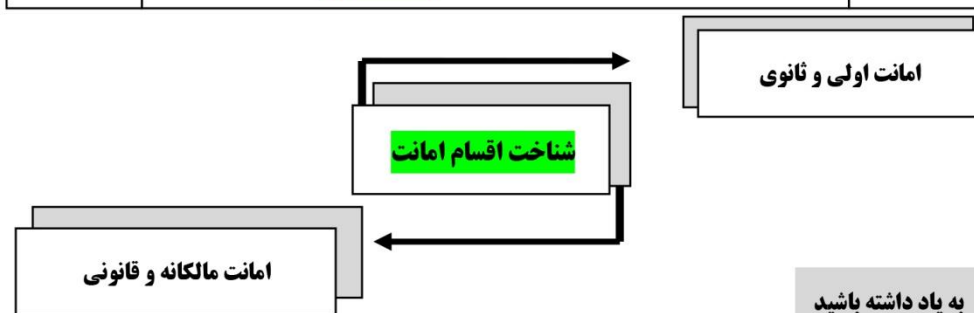
• ماده ۶۰۷ قانون مدنی: «ودیعه عقدی است که به موجب آن یک نفر مال خود را به دیگری می‌سپارد برای آنکه آن را مجاناً نگاه دارد. و دیعه گذار مودع و ودیعه‌گیر را مستودع یا امین می‌گویند.

ودیعه یا سپرده نوعی امانت در قالب قراردادی است که در آن شخصی مال خود را نزد دیگری می‌سپارد تا او به طور رایگان از آن نگاهداری کند.

فقیهان امامیه و برخی فقهای عامه، ودیعه را استنباط در حفظ مال نامیده‌اند که به معنی نایب [جانشین] قراردادن «امین» از سوی مالک برای حفظ مال است. تفاوت ودیعه با عقودهای نیابتی دیگر این است که وظیفه متعهد فقط حفظ مال است، به همین جهت آن را امانت خاص نامیده‌اند.

دلیل قرآنی ودیعه در آیه ۵۸ سوره نساء آمده است: خداوند فرمان می‌دهد که امانت‌ها را به صاحبشان برگردانید.

این ماده عقد ودیعه را تعریف کرده است و استنباطی که از مفاد این ماده می‌شود این است که در عقد ودیعه با بحث امانت‌گذاری رو به رو هستیم.	
---	--

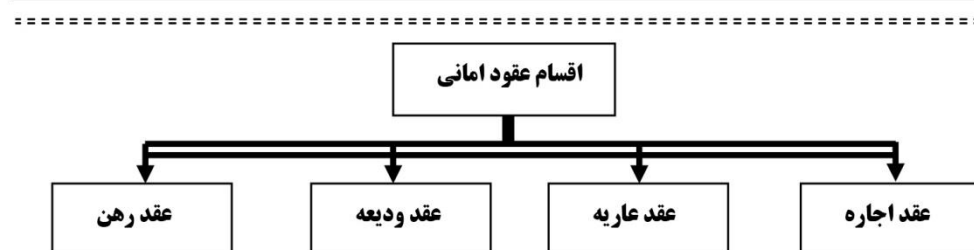


به یاد داشته باشید

★ نام دیگر امانت مالکانه ← امانت قراردادی است.

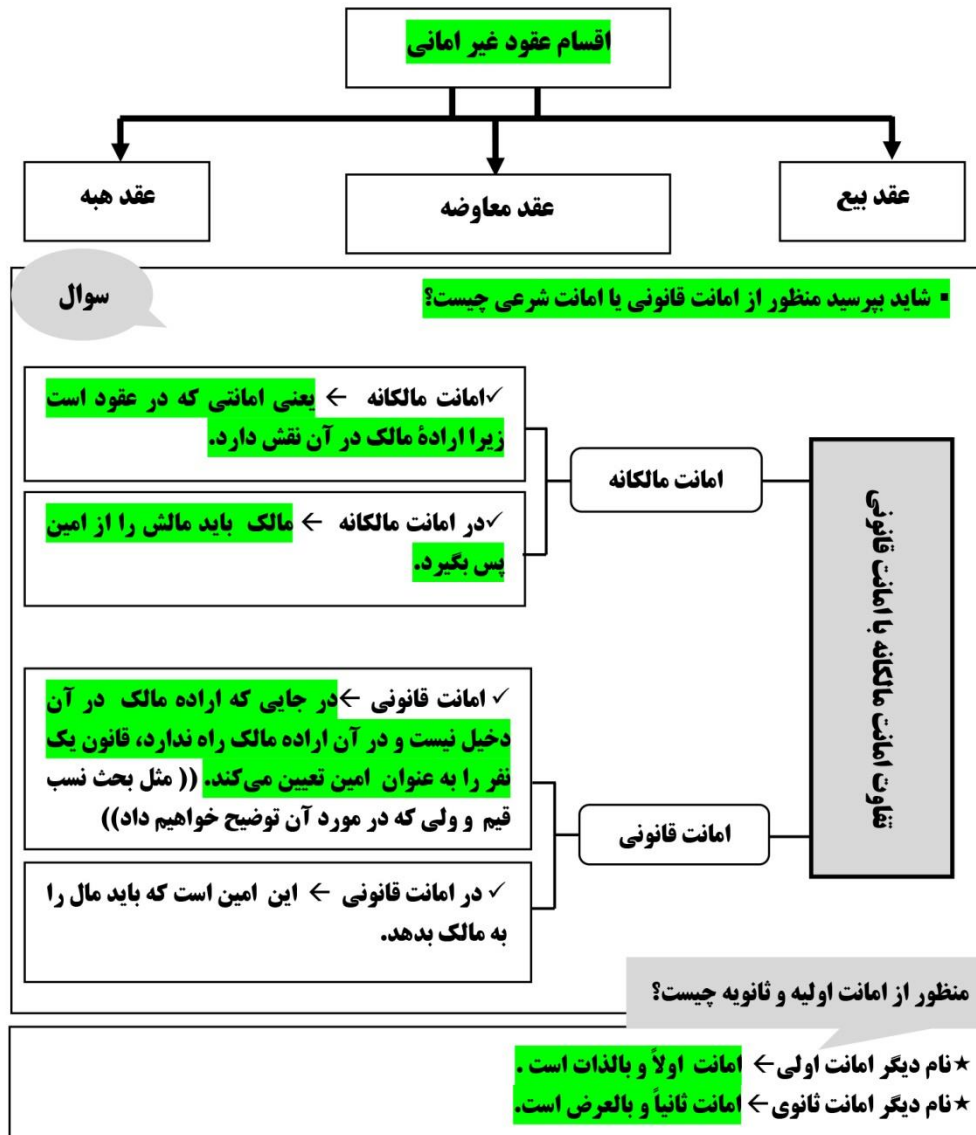
★ در این قسم از امانت، مالک مال، با رضایت خود، مال خود را به آقای امین ((مستودع)) می‌دهد که از آن نگهداری کند. مثل امانتی که در عقود و معاملات است. پس توجه داشته باشید، این امانتی که در عقود است، امانت مالکانه می‌باشد زیرا اراده مالک در آن نقش دارد.

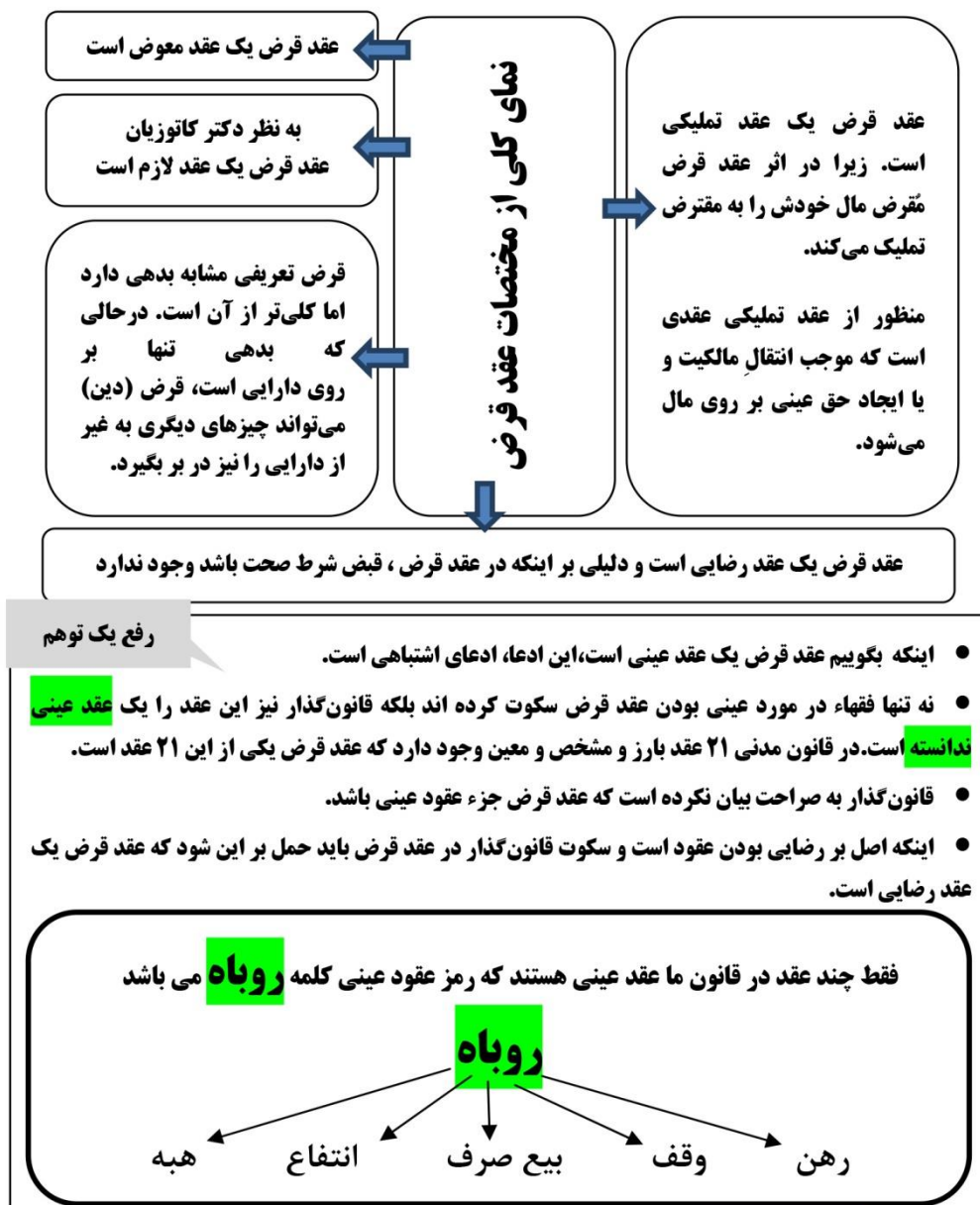
(باید توجه داشته باشید در بعضی از عقود، عنصر امانت و امانت‌داری را خواهیم داشت اما بعضی از عقود، فاقد این عنصر و رکن هستند)



((در این عقود، برخلاف عقود بعدی با بحث امانت گذاشتن مواجه هستیم))

تا اینجا باید فهمیده باشید ودیعه عقدی است میان دو طرف مبنی بر این که یکی از آن دو، مالی را به دیگری بسپارد تا برای وی نگهداری کند. به صاحب مال، امانت گذار و به کسی که آن را قبول می کند، امانت دار گفته می شود. بر امانت دار واجب است در حفظ امانت بکوشد و آن را در جای مناسبی نگه دارد به گونه ای که در نظر عرف، در نگهداری امانت کوتاهی نکرده باشد و گرنه در صورت تلف، ضامن است. عقد ودیعه در صورتی صحیح است که دو طرف آن بالغ و عاقل باشند. این عقد از سوی هر دو طرف قابل فسخ است یعنی هر لحظه که امانت دار بخواهد، می تواند امانت را به صاحبش بازگرداند؛ چنان که امانت گذار نیز هر وقت بخواهد، می تواند امانتش را پس بگیرد.





در خصوص **اهمیت قرض دادن** باید گفت، قرض دادن به فرد با ایمان یکی از مستحبات مؤکد است، به خصوص به کسانی که احتیاج دارند. پیامبر اکرم فرمود: کسی که به برادر مسلمان خود قرض دهد، در برابر هر درهمی که قرض داده، هم وزن کوه احد، حسنت خواهد داشت و اگر برای وصول آن مدارا به خرج دهد، از پل صراط همچون برق جهنمه بدون حساب و عذاب خواهد گذشت و کسی که برادر مسلمانش از وضع خودش پیش او شکایت برد و به او قرض ندهد، خداوند در روزی که نیکوکاران را پاداش می‌دهد، او را از بهشت محروم خواهد ساخت.

نکته کلیدی و مهم در قالب یک مثال

مثلاً من به شما وکالت مطلق می دهم که خانه‌ام را به مبلغ ۵۰۰ میلیون تومان بفروشید.

نظر دکتر کاتوزیان

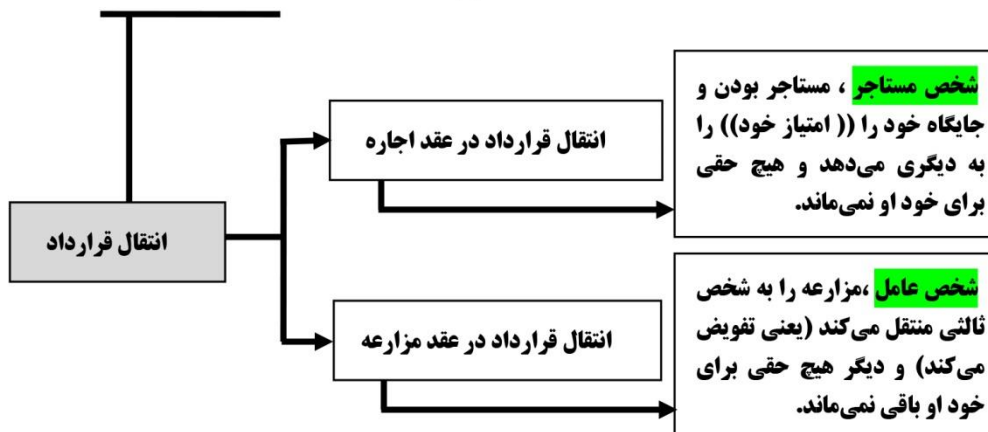
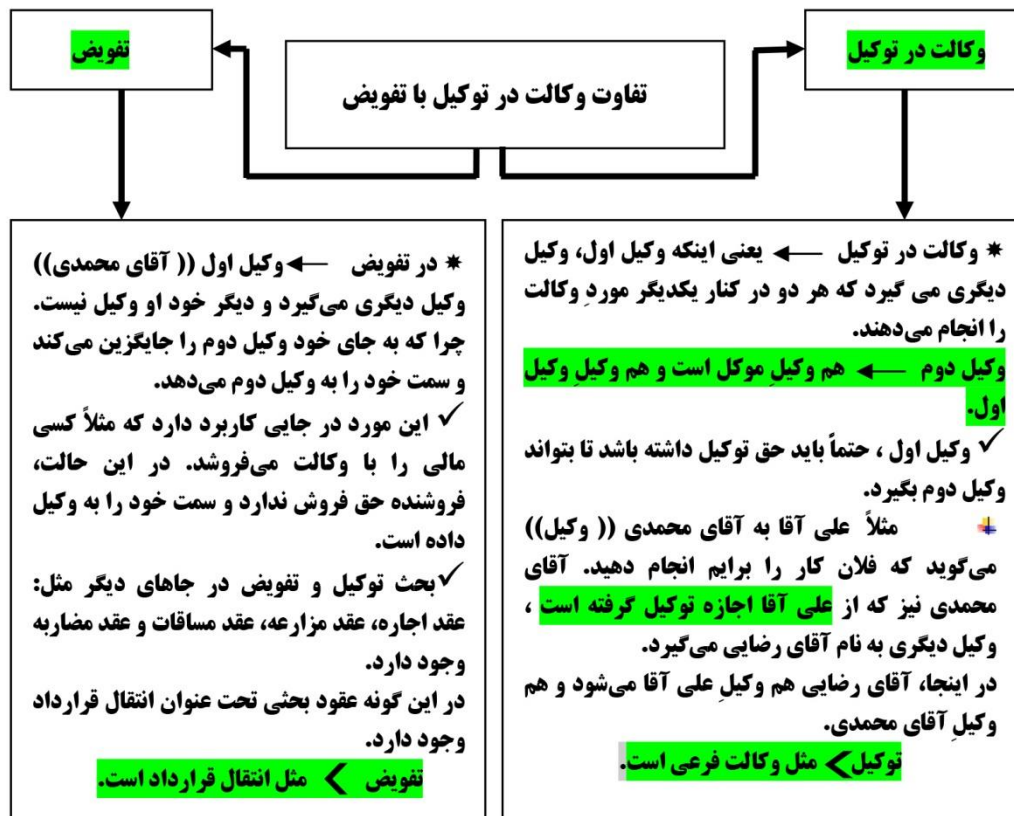
در اینجا درست است که وکالت به طور مطلق به شما داده شده است اما شما حق ندارید خودتان طرف معامله قرار بگیرید و این خانه را خود شما خریداری کنید.

اما رأی دیوان عالی کشور به شماره‌ی ۹۰۸-۹ مورخه‌ی ۱۳۶۳/۳/۲۹ که از شعبه‌ی ۹ صادر شده است نظری برخلاف نظر دکتر کاتوزیان بیان داشته است.

● ماده ۶۶۲ قانون مدنی: «وکالت باید در امری داده شود که خود موکل بتواند آن را به جا آورد. وکیل هم باید کسی باشد که برای انجام آن امر اهلیت داشته باشد».

نکته مهم در خصوص افرادی چون؛ مجنون، صغیر غیر ممیز، صغیر ممیز، سفیه و شخص ورشکسته:	
مجنون و صغیر غیر ممیز	* اشخاصی مثل مجنون و صغیر غیر ممیز به دلیل اینکه اهلیت انجام هیچ کاری را ندارند، در انجام هیچ کاری نه می‌توانند وکالت بدهند نه وکالت بگیرند.
صغیر ممیز	* صغیر ممیز ← می‌تواند در تملکات بلاعوض ((مثل هبه)) وکالت بدهد یا وکالت بگیرد.
سفیه	* یک شخص سفیه نیز، می‌تواند در تملکات بلاعوض و امور غیر مالی ((مثل طلاق)) وکالت بدهد یا وکالت بگیرد. * شخص سفیه ← در امری می‌تواند به دیگری وکالت دهد که، خود او اهلیت انجام دادن آن عمل را داشته باشد.
شخص ورشکسته	* به دلیل اینکه شخص ورشکسته، اهلیت دارد، می‌تواند در تمام امور (چه امور مادی و چه امور غیر مادی) وکیل دیگران شود. * اما اینکه گفته می‌شود شخص ورشکسته نمی‌تواند در اموال خود تصرف کند به این دلیل است که معامله‌ای انجام ندهد که به ضرر طلبکارها باشد. فقط در امور مالی خود ← نمی‌تواند وکالت دهد. ↙ ↘ شخص ورشکسته ↙ ↘ در امور غیر مالی خود ← می‌تواند وکالت دهد و هیچ موردی ندارد. * در نتیجه ← ورشکسته، محجوریت نسبی فقط نسبت به اموال و امور مالی خود دارد.

در مورد این ماده نظر دکتر کاتوزیان این است که وکالت دادن مختص امور حقوقی است به نظر دکتر کاتوزیان منظور این ماده توانایی قانونی و اهلیت وکیل است نه توانایی جسمی او



عقد ضمان

• ماده ۶۸۴ قانون مدنی: «عقد ضمان عبارت است از اینکه شخصی مالی را که بر ذمه‌ی دیگری است برعهده بگیرد. متعهد را ضامن، طرف دیگر را مضمون له و شخص ثالث را مضمون عنه یا مدیون اصلی می‌گویند».

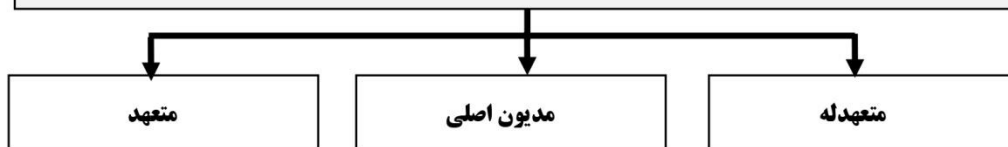
ضمان در لغت به معنای بر عهده گرفتن و کفیل شدن است و در اصطلاح حقوقی، عبارت است از اینکه شخصی مالی را که بر ذمه دیگری است، بر عهده بگیرد یا ملتزم شود که اگر کسی به عهد خود وفا نکند، از عهده خسارت بر آید. پس نام این عقد، ضمان است و اگر کسی ضامن دیگری می‌شود، نام این عمل ضمانت می‌باشد.

ضمان در اصطلاح حقوقی در دو معنای اعم و اخص به کار می‌رود:

➡ **ضمان اخص:** ضمان به معنای اخص عبارت از تعهد به مال است که در ذمه دیگری قرار دارد. به این ضمان، ضمان عقدی هم می‌گویند. ضمان به معنی اخص همان ضمانی است که قانونگذار در ماده ۶۴۸ قانون مدنی از آن بدین صورت تعریف کرده است: عقد ضمان عبارت است از اینکه شخصی مالی را که بر ذمه دیگری است به عهده می‌گیرد.

➡ **ضمان اعم:** ضمان به معنی اعم عبارت است از این که شخصی دین دیگری را تعهد کند یا این که تعهد کند که شخص مدیون را بر طبق مقرر حاضر کند.

سه نفری که در عقد ضمان وجود دارند



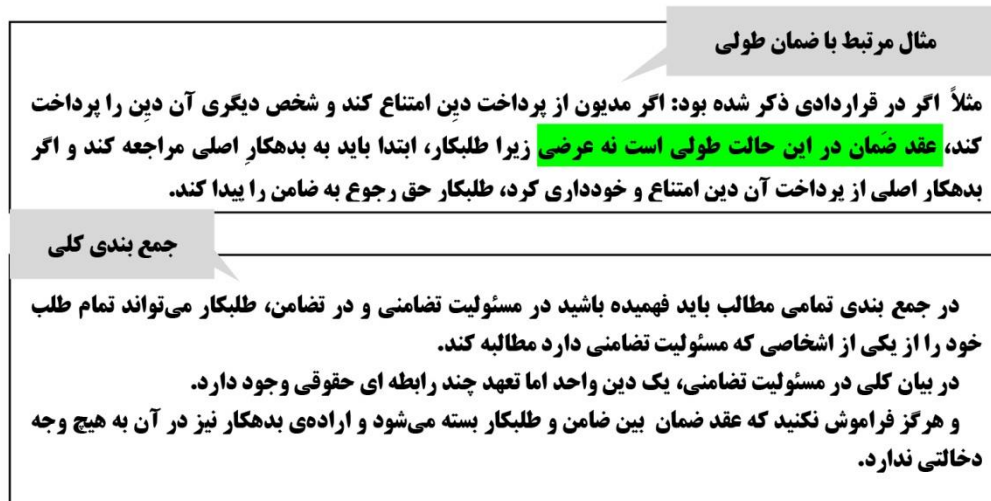
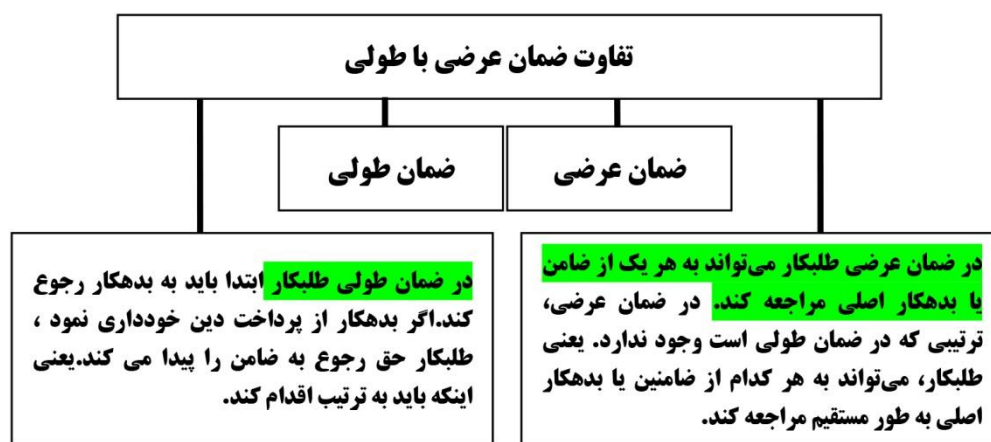
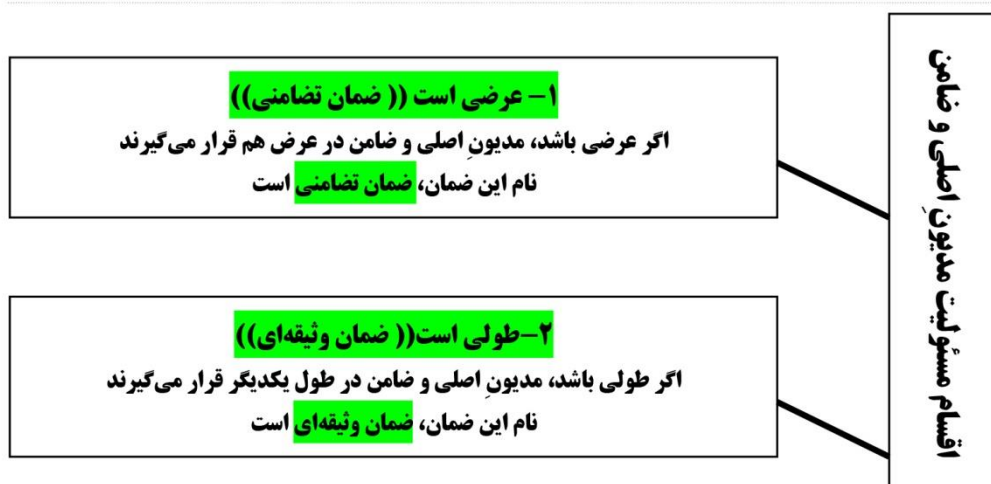
به یاد داشته باشید

همانطور که در ماده ۶۸۵ قانون مدنی آمده است:

رضایت بدهکار اصلی لازم نیست و این عقد به رضایت مدیون اصلی به هیچ وجه نیاز ندارد اما اراده‌ی ضامن و مضمون له لازم و ضروری است.

سوال

■ آیا از تعهد غیرمالی ((مثل حضانت و تمکین و سکونت مشترک با همسر)) می‌توان ضمانت کرد؟
به دلیل اینکه این تکالیف قابل انتقال به ذمه‌ی ضامن نیست، نمی‌توانیم در خصوص این تکالیف ضمانت کنیم.
یعنی به هیچ وجه نمی‌توانیم از یک تعهد غیرمالی ضمانت کنیم. پس در خاطر داشته باشید که موضوع عقد ضمان باید یک تعهد مالی باشد.



سوال مهم کنکوری

■ آیا ممکن است از ضامن ضمانت کرد؟

✓ پاسخ به این سوال مثبت است.

در ضمان نقل ذمه صحیح است.

در ضمان ضم ذمه باطل است.

✓ درست است که می‌توان از ضامن ضمانت کرد اما این عقد ضمان

در نتیجه

۱ اگر شرط تضامن شود، همه ضامن‌ها همراه با مدیون اصلی در برابر طلبکار، مسئولیت تضامنی دارند.

اما

۲ اگر شرط تضامن نشود، ضامن به واسطه‌ی این ضمان مسئولیتی ندارد و ضامنی که از ضامن ضمانت کرده

است مسئول پرداخت دین می‌شود.

✓ ضامن دومی که از ضامن ضمانت می‌کند، ممکن است یک شخص ثالث یا خود مضمون عنه باشد.

✓ اگر این ضامن خود مضمون عنه باشد، نام این ضمان ← ضمان دور می‌باشد.

پس در ضمان، دور نیز صحیح است. بنابراین، مضمون عنه (بدهکار) می‌تواند از ضامن خود ضمانت کند و در نتیجه، دینی که با ضمانت ضامن به ذمه او منتقل شده بود، با ضمانت مضمون عنه دوباره به ذمه او باز می‌گردد البته با وجود این برخی قداما، دور را در ضمان صحیح ندانسته‌اند.

دقت داشته باشید

✦ در ضمان دور، شخص ثالثی وجود ندارد.

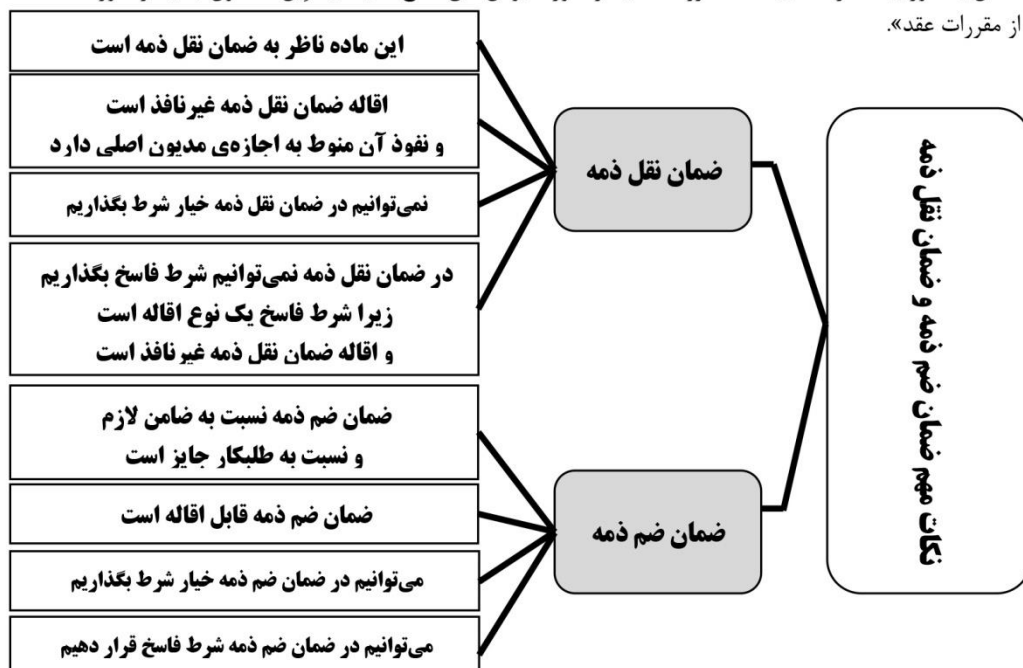
در این ضمان، یک شخصی، ضامن مدیون اصلی می‌شود و مدیون اصلی بری شده و ضامن، مدیون می‌شود. سپس این مدیون اصلی بری شده، ضمانت این شخص ضامن را به عهده می‌گیرد. در این حالت ضامن، بری می‌شود و مضمون عنه دوباره خود مسئول انجام تعهد می‌شود ((یعنی تعهد خود را پس می‌گیرد و همه چیز به جای اول خودش باز می‌گردد))

در این فرض
دو نوع ضمان وجود دارد:

ضمان دور

ضمان ترامی

✦ در این ضمان یک نفر ضامن مدیون اصلی شده و مدیون اصلی بری می‌شود و بعد از این قضیه یک شخص ثالث ((نفر سوم)) ضامن این ضامن می‌شود و ضامن اول بری شده و شخص ثالث جایگزین او می‌شود.



بررسی اجمالی تفاوت منفسخ شدن با منحل شدن

منفسخ شدن

منفسخ شدن عقد، به هم خوردن خود به خودی یک عقد در اثر حدوث وضعیتی مثل فوت و جنون است.

اما داوطلبان آزمون های حقوقی باید بدانند:

اگر در سؤالی مطرح شود، اثر فسخ و اقاله یی در عقد حواله چیست؟ در پاسخ باید گفت طبق ظاهر و متن ماده ۷۳۳ قانون مدنی: عقد بیع منفسخ می شود.

منحل شدن

اگر عقدی به واسطه ی اقاله یا فسخ به حیات خود خاتمه دهد، این اتفاق منحل شدن عقد است نه منفسخ شدن آن.

در مورد اینکه فسخ و اقاله یی بیع چه اثری در عقد حواله دارد اختلاف نظر وجود دارد:

به نظر می رسد اثر فسخ و اقاله باعث انحلال عقد می شود نه انفساخ آن.

اما نباید این امر را معیار قرار دهیم و هر جا عقد به واسطه ی فسخ یا اقاله به حیات خود پایان دهد بگوییم عقد منفسخ گردید

جمع بندی کلی و نهایی عقد حواله

حواله عقدی است که به موجب آن، طلب شخصی، از ذمه مدیون به ذمه شخص ثالثی منتقل می گردد. مدیون را محیل، طلبکار را محتال، شخص ثالث را محال علیه گفته و مال مورد حواله را «محال به» می نامند. در بحث اختیارات، گفته می شود تمام انواع اختیار در جمیع معاملات لازمه قابل اجراست، مگر اختیار مجلس و حیوان و تأخیر ثمن که مخصوص بیع است. حال با توجه به اینکه حواله نیز از عقود لازمه به شمار می آید، در شرایط و احکام عام، مانند سایر عقود بوده و انواع اختیارات (غیر از اختیارات مذکور) در آن جاری می باشد. مثلاً اگر محیل مبلغی را به محتال بدهکار بود و طی عقد حواله، شرط شود که محال علیه آن مبلغ را در غالب ارز خاصی به محتال تحویل دهد، ولی محال علیه بر خلاف آن شرط عمل کند، در این صورت محتال دارای اختیار تخلف از شرط خواهد بود. یعنی می تواند آن را قبول کند و یا حواله باطل بوده و به خود محیل رجوع کند.

واژه عربی حواله، از ریشه حول، به معنای تغییر یافتن، جابه جا شدن و دگرگونی است.

حواله، مبحثی فقهی - حقوقی به معنای عقدی که موجب انتقال دین از ذمه مدیون به ذمه شخص ثالث می شود.

بیشتر فقهای اهل سنت و شماری از فقهای امامی عقد حواله را انتقال حق از ذمه شخصی به شخص دیگر تعریف کرده اند.

محقق حلی قید «مدیون بودن محال علیه به محیل» را به این تعریف افزوده است.

لازم به ذکر است برخی توضیحات اضافه که در ذیل مواد داده می شود جهت جا افتادن بهتر ماده و نکات مرتبط با آن است و معمولاً این توضیحات مورد استفاده طراح سوال قرار نمی گیرد.

• ماده ۷۴۶ قانون مدنی: «در موارد ذیل كفیل بری می‌شود:

۱- در صورت حاضر کردن مكفول به نحوی كه متعهد شده است،

۲- در صورتی كه مكفول در موقع مقرر شخصاً حاضر شود،

۳- در صورتی كه ذمه مكفول به نحوی از انحاء از حقى كه مكفول له بر او دارد بری شود،

۴- در صورتی كه مكفول له كفیل را بری نماید،

۵- در صورتی كه حق مكفول له به نحوی از انحاء به دیگری منتقل شود،

۶- در صورت فوت مكفول».

این دو مورد از موارد متعارف و بارزى هستند كه كفیل بری می‌شود

به یاد داشته باشید

تعهد به احضار مدیون ← **یک تعهد به نتیجه است** و باید به هر نحوی كه شده ((بدون هیچ بهانه‌ای)) مدیون را تسلیم كنیم.

حال اگر شخص ثالث دیگری، مدیون را در موعد مقرر تسلیم و حاضر كند آیا مسئولیت از شخص كفیل برداشته می‌شود؟

مثلاً فرض كنید شما مكفول له و من مكفول و برادر من كفیل است. برادر من متعهد است كه من مكفول را نزد شما در یک زمان خاص حاضر و تسلیم كند. اگر شما طلب خودتان را به سود دوستان حواله دهید تا من مكفول به او بپردازم، كفیل بری می‌شود((برادر من بری می‌شود)) و تعهدی نسبت به تسلیم و حاضر كردن من نزد شما ندارد.

در نتیجه تعهد برادر من سقوط می‌كند و بری می‌شود

نکته مهم و قابل توجه داوطلبان آزمون وکالت

همچنین

• اگر كفیل نتواند مكفول را در زمان و مكان مقرر شده حاضر كند و دین برعهده او قرار بگیرد، فوت مكفول، موجب براءت كفیل نمی‌شود زیرا فوت مكفول بعد از موعد مقرری بوده است كه باید كفیل، مكفول را تسلیم می‌كرده. به همین دلیل فوت مكفول باعث براءت كفیل نمی‌شود.

• فوت كفیل ← سبب براءت او از التزام به احضار است.

اما فراموشی نكنید

هرگاه كفیل تخلف كند و دین بر ذمه‌ی او قرار بگیرد، بعد از فوت كفیل دین بر تركه باقی می‌ماند. از این نکته چندین بار در آزمون وکالت سوال طرح شده است.

به نظر شما اگر مكفول دیوانه شود آیا كفیل بری می‌شود یا خیر؟ لازم و ضروری است بدانید در این مورد اختلاف نظر وجود دارد:

تفاوت بین دو حالت جنون ادواری و جنون مستمر

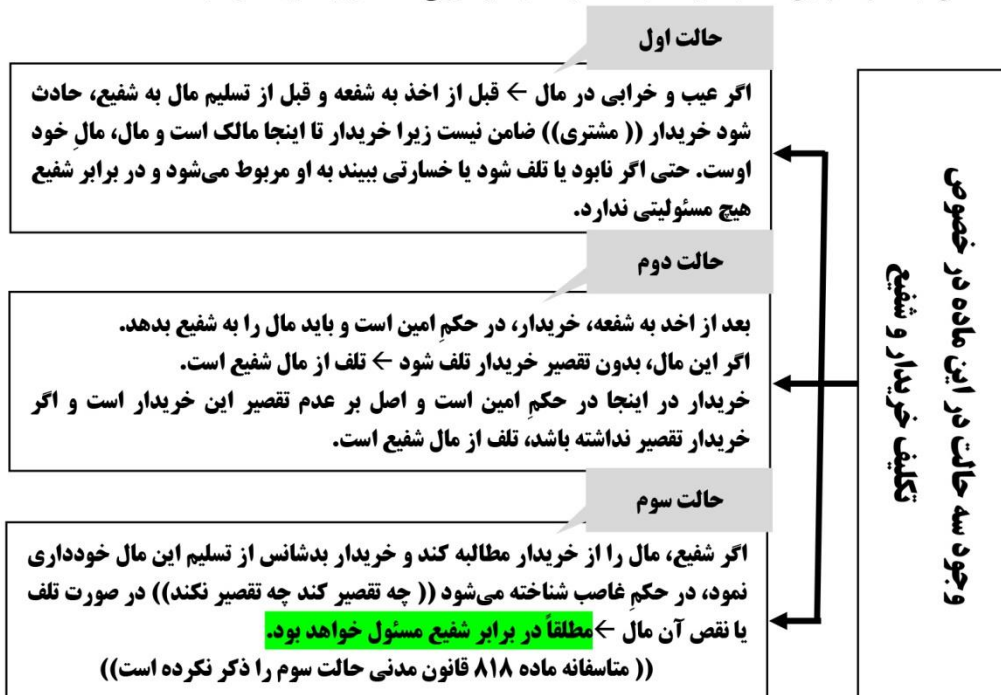
جنون ادواری

جنون مستمر

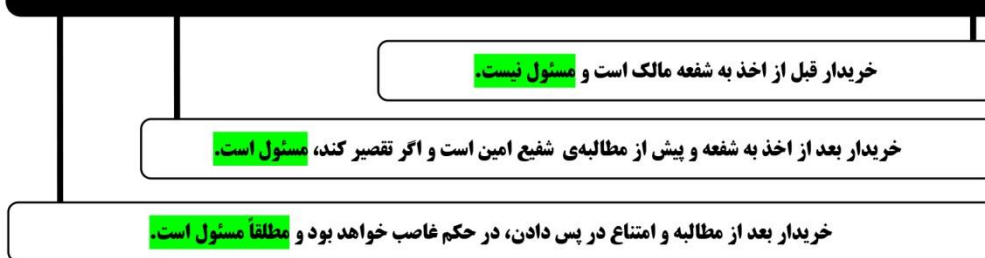
✳ اگر جنون ادواری باشد «یعنی جنون، مستمر نباشد» و این ادواری بودن جنون، درمان‌پذیر باشد در حکم غیبت مكفول است و باید به كفیل مهلتی داده شود كه حال مكفول بهتر شود و در آن موقع كفیل او را تسلیم نماید.

✳ اگر جنون دائم بر مكفول، عارض شود و هدف از احضار نیز اقدامی باشد كه شخص دیوانه توان انجام دادن آن را ندارد باید این جنون را، در حکم فوت مكفول بگذاریم.

• ماده ۸۱۸ قانون مدنی: «مشتري نسبت به عيب و خرابي و تلفي كه قبل از اخذ به شفعه در يداو حادث شده باشد ضامن نيست و همچنين است بعد از اخذ به شفعه و مطالبه در صورتي كه تعدي يا تفريط نكرده باشد».



چكيده اي از تكاليف خريدار و شفيع



• ماده ۸۱۹ قانون مدني: «نماآتي كه قبل از اخذ به شفعه در مبيع حاصل مي شود، در صورتي كه منفصل باشد مال مشتري و در صورتي كه متصل باشد مال شفيع است ولي مشتري مي تواند بنايي را كه كرده يا درختي را كه كاشته است قلع كند».

اگر در مورد يك نماء، شك كرديم كه **منفصل است يا متصل** بايد آن را **متصل** بدانيم. مثلاً اگر شك كرديم ميوه اي كه بر روي درخت است رسيده يا هنوز كال است، در اين خصوص بايد گفت، ميوه هنوز نرسيده است و جزء **منافع متصل است**. اگر خريدار تغييری در ملك داده باشد كه ارزش ملك را بالا برده باشد، مي تواند ارزش افزوده ي ناشی از آن عمل خودش را از شفيع بگيرد.

سوال

تکلیف خریداری که در ملک، بنا یا درخت کاشته باشد چیست؟

((آیا شفیع می‌تواند درخت را قطع کند یا بنا را خراب کند؟ اگر شفیع این عمل را انجام دهد، خریدار می‌تواند از شفیع خسارت بگیرد یا خیر؟)) در این خصوص اختلاف نظر وجود دارد:

به نظر دکتر کاتوزیان چهار راه حل در این خصوص وجود دارد:

۱- خریدار نمی‌تواند با وجود درخواست شفیع بنا یا درخت را باقی بگذارد.	۲- شفیع نمی‌تواند خریدار را به فروش بنا و درخت الزام کند یا مانع قلع یا خرابی آنها شود.
۳- خریدار می‌تواند از شفیع عوض منافی را که از قلع بنا یا قطع درخت عاید او می‌شود را بگیرد.	۴- اگر شفیع از مال خریدار استفاده کند باید عوض آن را بدهد.

طبق متن صریح ماده ۸۱۹ قانون مدنی: مشتری می‌تواند بنائی را که درست کرده یا درختی را که کاشته است، قلع و قطع کند. لازم به ذکر است منظور از قلع، خراب کردن بناست و منظور از قلع، بریدن درخت است.

● ماده ۸۲۰ قانون مدنی: « هرگاه معلوم شود که مبیع حین البیع معیوب بوده و مشتری ارش گرفته است، شفیع در موقع اخذ به شفعه مقدار ارش را از ثمن کسر می‌گذارد. حقوق مشتری در مقابل بایع راجع به درک مبیع همان است که در ضمن عقد بیع مذکور شده است».

توجه داشته باشید به هر میزانی که مشتری برای خرید ملک پول داده باشد، همان مقدار و میزان را از شفیع می‌گیرد.

● ماده ۸۲۱ قانون مدنی: « حق شفعه فوری است».



به نظر دکتر کاتوزیان

اصل بر عدم آگاهی از وجود حق شفعه و فوری بودن این حق است و مدعی جهل به قانون، باید آن را ثابت کند.

اما نظر دکتر امامی برخلاف نظر دکتر کاتوزیان است.

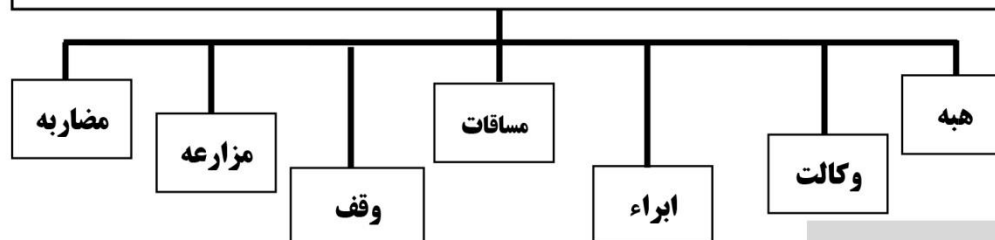
باید توجه داشت اگر شفیع به دلیل قوه قاهره یا یک حادثه خارجی نتوانست سریعاً در اعمال حق شفعه اقدام کند و قوه قاهره مانع از اجرای حق شفعه گردید و مهلت عرفی اعمال حق شفعه به پایان رسید، وجود قوه قاهره و حادثه خارجی، برای شفیع عذر موجه محسوب می‌شود و او می‌تواند بعد از رفع قوه قاهره، برای اعمال حق شفعه اقدام کند.



توضیح و تشریح دو ماده‌ی فوق ((مواد ۸۲۵ و ۸۲۶ قانون مدنی))

قسم اول وصیت یعنی وصیت تملیکی
❖ در این نوع وصیت ← شخصی وصیت می‌کند اگر من فوت نمودم مالم به طور مجانی، مال فلانی باشد. ❖ این شخص فلانی، می‌تواند کسی غیر از وراثت وصیت کننده باشد و الزاماً نباید فرزندان و اولاد او باشند. ❖ وصیت تملیکی ← تقریباً شبیه هبه است. ❖ هبه ← عقد است. ❖ وصیت تملیکی ← نیز عقد است زیرا اراده‌ی دو نفر در آن دخیل است. اگر کسی وصیت کند پس از مرگ یک میلیون تومان از اموال را به پسر عمویم یا سادات محل بدهید، این وصیت تملیکی است. ◆ طبق ماده ۸۲۷ قانون مدنی: وصیت تملیکی، قبول لازم دارد در نتیجه، عقد است. ◆ وصیت، یک عمل حقوقی است که اثر آن معلق به فوت است. ◆ وصیت، یک عمل مستقل و جداگانه نیست. ◆ وصیت، همان اعمال حقوقی زمان حیات است که معلق به فوت شده است.

اعمال حقوقی که اگر معلق به فوت باشند وصیت نامیده می‌شوند عبارتند از



اثر حقوقی وصیت نامه

اثر حقوقی وصیت نامه پس از فوت شخص ظاهر می‌شود یعنی تا وقتی که شخص زنده است، خود او تصمیم گیرنده و عامل است. اما با فوت وصیت کننده، همه مصمم می‌شوند که به وصیت او عمل کنند. چنانچه با تنظیم وصیت نامه بخواهیم مالی را به دیگری تملیک کنیم، یا به مالکیت فرد دیگری در آوریم نباید برای آن عوض قرار دهیم. هر شخصی می‌تواند در طول زندگی خود بارها وصیت کند یا مفاد وصیت نامه اش را تغییر دهد اما آخرین وصیت نامه متوفی (از حیث تاریخ) ملاک عمل قرار خواهد گرفت و در این صورت دیگران نباید مفاد وصیت نامه را تغییر دهند.

پس بنابراین این ماده قانونی دوصورت را در نظر گرفته که در صورت اول اگر حمل مانع از ارث بردن دیگر وراث شود از تقسیم ترکه جلوگیری به عمل می آید .
صورت دوم اینکه اگر حمل مانع هیچ یک از وراث نباشد، ترکه می تواند تقسیم گردد و باید برای حمل سهم دو پسر که از هر طبقه باشد کنار گذاشته شود.

سه فرض مربوط به این ماده وجود دارد که همه آنها منطقی به نظر نمی رسند

فرض اول

اگر حمل، مانع ارث بردن **همه وراث** شود، تا به دنیا آمدن او < نباید تقسیم ارث به عمل آید.

فرض دوم

اگر حمل، مانع ارث بردن **بعضی از وراث** شود، تقسیم به عمل نمی آید و باید صبر کرد تا تکلیف روشن شود.
■ اما منطقی به نظر می رسد که قدر متیقن سهم وراث به آنها داده شود تا زمانی که حال حمل معلوم شود.
✚ مثلاً اگر متوفی فوت کرده و بازماندگان او عبارتند از:
همسر دائمی که باردار است، پدر، مادر و چند نوه:

هر کدام از ابوبین حداقل $\frac{1}{6}$ < و زوجه $\frac{1}{8}$ < را خواهند برد و بهتر این است که قدر متیقن ((یعنی حداقل ارثی را که می برند)) را به آنها بدهیم و برای مابقی فعلاً دست نگاه داشت و تقسیم صورت نگیرد تا حال حمل معلوم شود.

فرض سوم

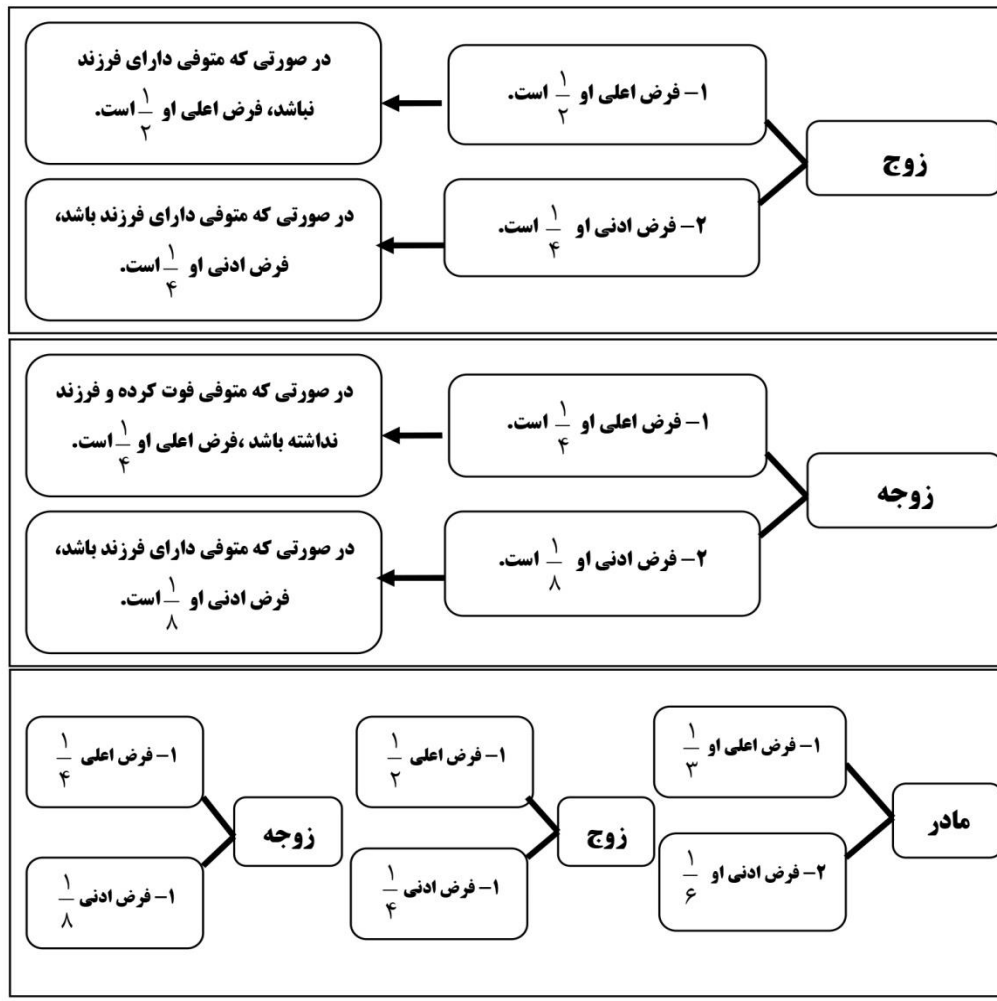
اگر حمل، مانع هیچ یک از وراث نباشد مقصود این نیست که سهم بقیه هیچ تغییری نکند. در این صورت سهم حمل به معادل دو پسر کنار گذاشته می شود و پس از تولد، تکلیف سهم او مشخص می شود.
مثل فرضی که از متوفی یک زن باردار و یک پسر باقی مانده باشد.
✓ اگر با سونوگرافی کردن < جنس و شمار حمل معلوم شود، عقل حکم می کند، کنار گذاشتن سهم دو پسر غیرمنطقی و نامعقول است.

نکته مهم و قابل توجه داوطلبان آزمون های حقوقی

✓ مقصود از "مانع" در این ماده حجب حرمانی است که به موجب آن < وارث نزدیکتر به متوفی در طبقه و درجه، مانع از وراثت وارث دورتر می شود.

سوال

شاید این سوال برای شما پیش آید و بپرسید منظور از **حجب حرمانی** چیست؟
حجب حرمانی حالتی است که وارثی به واسطه وارث دیگر، کلاً از ارث محروم می شود. در این نوع حجب، آن که در هر مرتبه به میت نزدیکتر است، مانع ارث بری فرد یا طبقه دورتر می شود.
مثلاً پدر، مادر و فرزندان میت (طبقه اول)، برادران و اجداد میت (طبقه دوم) را از ارث بردن، باز می دارند و نیز وارثان طبقه دوم، مانع ارث بردن وارثان طبقه سوم (عمو، دایی، عمه و خاله) هستند.
همچنین وارثان طبقه سوم، فرزندان خود را از ارث بردن باز می دارند یا خویشاوندان نسبی میت، مانع ارث بری میت، ضامن جریره و امام علیه السلام هستند.



● ماده ۸۹۷ قانون مدنی: « اشخاصی که گاه به فرض و گاهی به قرابت ارث می‌برند عبارتند از: پدر، دختر و دخترها، خواهر و خواهرهای آبی یا آبونی و کلاله‌ی امی».

بعضی اشخاص در بین ورثه هستند که فرض بر هستند اما در مواقعی با توجه به شرایطی می‌توانند به قرابت نیز ارث ببرند. مثل: پدر، دختر و دختران، خواهر و خواهران آبونی یا آبی، کلاله امی.

در خاطر داشته باشید

در مورد سهم الارث پدر باید بدانید فرض پدر ثابت است یعنی $\frac{1}{6}$ و فرض اعلیٰ و ادنیٰ ندارد؛ برخلاف مادر و زوج و زوجه که فرض بالا و پایین دارد و راجع به این امر در ماده قبل توضیح دادیم.

این فقط بخشی از این اثر چهار جلدی بود. با خرید این کتاب چهار

جلدی مطمئن باشید به هیچ کتاب و منبع دیگری نیاز نخواهید داشت

و کسب رتبه تک رقمی بسیار آسان است

ما این ادعا را ثابت کرده ایم. کلیک کنید خودتان ببینید

جهت تهیه این کتاب به همراه فایل صوتی تدریس با موسسه قانون یار تماس حاصل فرمایید

۰۲۱۶۶۹۷۹۵۱۹ – ۰۲۱۶۶۹۷۹۵۲۶

سی دی های تدریس صوتی دروس حقوقی و کارگاه های قانون خوانی های
موسسه قانون یار را از ما بخواهید (سبک آموزشی نوینی در جامعه حقوقی کشور)

WWW.GHANONYAR.ir

با مطالعه دیگر کتب نموداری و صوتی موسسه قانون یار

به همین سبک دیگر هیچ نیازی به خرید منبع مکمل دیگری ندارید

شماره تماس های مدیران فروش قانون یار

۰۹۱۹۶۷۴۸۶۴۵ – ۰۹۱۹۶۷۴۸۶۲۵

پشتیبانی ۲۴ ساعته آنلاین در واتس آپ

و ثبت سفارش از طریق واتس آپ

۰۹۱۰۰۶۳۶۰۰۲